

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۱۲/۰۶

احسان لمر

حفیظه حیات یوسفی



خانم حفیظه طهماس فرزند مرحوم صالح محمد طهماس در (۱۳ عقرب ۱۳۰۶ مطابق ۵ نوامبر ۱۹۲۷) در شهر کابل متولد و در مکاتب مستورات و ملالی دروسش را ادامه داد، که با نفیسه مبارز - معصومه عصمتی - صالحه فاروق اعتمادی و دکتور اناهیتا راتب زاد هم صنف بودند. خانم یوسفی سپس در مکتب نرسنگ آن زمان شامل گردید و در اولین دسته نرس ها در شفاخانه مستورات شامل کار شد. وی مدت طولانی با شادروان دکتور عبدالرحمن محمودی همکار بوده و آموخته ها و خاطراتی بسیاری از آن ابر مرد سترگ و مبارز داشت. و در همین دوران دیپلوم قابله گی (midwife) را هم بدست آورد.

دفتر موسسه مصنوعات کیمیای یوسفی جوزای ۱۳۴۰ - می ۱۹۶۱

خانم یوسفی در سال (۱۳۲۵ ش - ۱۹۴۶ م) با مرحوم حیات الله یوسفی ازدواج نموده و هر دو در خدمت وطن و وطن دارها بدون هیچ گونه تعصب و تفرق قرار گرفتند.

این خانم عاشق وطن وی در دوران کار، محمودی گونه مریضان مستمند و بی بضاعت را رایگان تداوی نموده و ولادت می داد و از این طریق عالی ترین عشق و محبت خویش را به مردمش متباز می ساخت. او در ردیف اولین کسانی بود که در دور دوم نهضت نسوان چادری اجباری را کنار گذاشت.

مدتی بعد از ازدواج همراه با همسرش به هرات باستان رفته اولین نمایشگاه مواد کاسمیتیکی ساخت وطن را بر گزار نمودند که مورد توجه و علاقه مردم و دولت واقع شد، که تقریباً ده سال بعد وزارت معادن و صنایع نخستین موسسه مصنوعات کیمیای را در کشور برای آنها منظور و رسمیت داد.

خانم یوسفی تا سال ۱۳۳۹ وظیفه رسمی را هم دوام داد، بعداً در چوکات موسسه مصنوعات کیمیای با شوهرش همکار بود. آنها در این کار شان هم برای اطفال بی بضاعت معارف (رنگ قلم و کریم و واسلین) و برای خدمه ها و کارمندان پائین رتبه در دوایر مواد مورد ضرورت شان را رایگان میدادند.

یکی از سجایای پرازنده معارف امانیه عشق به با سوادى، آزادی و خود کفائی وطن بود که مرحوم حیات الله یوسفی همراه با همسرش نه تنها در امر خودکفائی وطن تلاش می نمودند، بلکه در جهت اعتلای معارف و با سوادى هم با انتهای عشق بدون کمترین تعصب در با سوادى اطفال وطن داران غریب تلاش می کردند. به گونه مثال اطفال سه فامیل همسایه نشین شان دو فامیل از ولسوالی پنجشیر و یکی از بهسود ولایت بامیان را شامل مکاتب شهر کابل نمودند که بعداً همه این فامیل ها به مکتب روی آورده و همه فرزندان شان دروس را تکمیل و در اجتماع خدمت نمودند.

در دهه اخیر سلطنت مرحوم ظاهر شاه، تحت ریاست شهادخت بلقیس دختر شاه (انجمن میرمن های رضا کار) تاسیس شد، که به شمول دو دختر و عروسان شاه عده از خانم های منور کابل در آن شامل بودند. خانم یوسفی هم در

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

این انجمن عضویت داشت که نه تنها در خدمات رضا کارانه (سره میاشت) و کمک به آسیب دیدگان همکاری می نمود، بلکه برای تدریس آموزی زنان خدمه در دواير دولتی و حتی زندان زنانه کابل سهم می گرفت.

با کمال تأسف در ثور ۱۳۴۸ یگانه برادرش (پوهنیار حبیب الرحمن استاد فاکولته انجیری و زراعت کابل) در یک حادثه ترافیکی در ترکیه وفات نمود که بعد از این فاجعه خانم یوسفی نتوانست با انجمن رضا کاران ادامه دهد. او باقی زندگی را داخل کشور در موسسه شان همکار بودند.

با فاجعه کودتای ثور ۵۷ روند زندگی نور مال همه مردم ما تغییر نمود و برای این زن و شوهر حدود یک سال پایوازی در عقب محبس پل چرخی هم در زندگی شان افزود گشت تا بالاخره در اسد ۱۳۶۲ مجبور به ترک کشور شده و بعداً در فرانسه پناهنده شدند. از خانم یوسفی سه پسر باقی مانده.

با تأثر و تأسف او در ساعت یازده شب ۲۸ نومبر ۲۰۱۸ نسبت مریضی که عاید حالش بود وفات نمود.



إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ.

د پانو شمیره: له ۲ تر ۲

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ